

خدامان وحدت عالم انسانی احبای الهی علیهم و علیهنّ البهآء الأبهی ملاحظه نمایند

ای اشخاص محترم الحمد لله نائره حرب در اکثر بلاد خاموش گشته و صلح و سلام بیک درجه انتشار یافته از الطاف الهی امیدم چنانست که بکلی این آتش خاموش شود و عَلم صلح و سلام بر جمیع آفاق موج زند هرچند این بدایت طلوع صبح صلح عمومیت امیدوارم که آفتاب روشنش بعون و عنایت الهیه طلوع نماید و جمیع آفاق را بنور اتحاد و اتفاق و صلح اکبر روشن فرماید و در جمیع اقالیم نفوس عاقلی مبعوث گردند و از تعصبات دینی و تعصبات جنسی و تعصبات سیاسی و تعصبات وطنی نجات و فراغت یابند زیرا تا این تعصبات در عالم انسانی حکمرانست راحت و آسایش مفقود و هر روز بیهانهائی نزاع و جدال در میان آید ملاحظه نمائید هرچند قرون اولی فی الحقیقه تاریخش چنانکه باید و شاید معلوم و محقق نیست بلکه وقایع ده هزار سال پیش بکلی مجهول تاریخ تاریکست ولی از چهار پنج هزار سال تا بحال اعتماد بر تاریخ توان نمود جمیع این مدّت در اکثر اقالیم عالم شعله نائره حرب باوج اعلی میرسید و این جنگهای خونریز یا منبعث از تعصبات دینی بود یا از تعصبات جنسی یا از تعصبات وطنی یا از تعصبات سیاسی پس معلوم و محقق گشت که تعصّب هادم بنیان انسانیت تا این تعصبات از قلوب بشر زائل نگردد عَلم وحدت عالم انسانی بر شرق و غرب موج زند هنوز این تعصّبات زلزله بر عالم انسانی می اندازد و انسان را از کشف حقیقت محروم مینماید و برهان بر این اینکه این بلاد شرق بسیار تاریک بود ظلمت مستولی بود و اهالی شرق در آتش ظلم و اعتساف میسوختند نفوس بتازیانه استبداد محو میشد اموال سلب می گشت راحت بکلی منقطع هیچ نفسی از جان خود و مال خود و تعدّیات شدید مطمئن نبود همیشه خائف بود زراعت در تناقص صنعت در تدنّی تجارت در خسارت ثروت عمومی در تالان و تاراج شرق باین مصائب کبری مبتلا تا آنکه غبار جنگ بنشست و صبح صلح و سلام کم کم رو بطلوع نهاد دولت عادلّه بریطانیا باین صفحات استیلا نمود از برای ملل مختلفه و مذاهب مختلفه آسایش و راحت دل و جان حاصل گشت و جمیع از جان و مال و راحت خویش امین شدند ولی چنین نعمت عظمی را سهل شمرده اند و باوهامات پرداخته اند تعصّب دینی و تعصّب جنسی و تعصّب سیاسی و تعصّب وطنی بجوش و خروش آمده و اظهار عدم رضایت از حالت حاضره میشود زیرا بعضی از فتنه جوین خودپسند تخدیش اذهان عوام میکنند که استقلال تام حیاتست و عدم استقلال تام ممات است هرچند ما از آفات ظلم و تعدّی خلاص شده ایم ولی استقلال نداریم باید بکوشیم تا استقلال تام یابیم ولی ملاحظه نمیکند که در ازمینه استقلال چون قانون حکمران نبود و نظامی در میان نبود رؤسای حکومت مثل علّت کابوس بر ملّت مستولی و روز بروز مملکت و مدنیت در تدنّی استقلال البتّه مقبول و ممدوح ولی بشرط آنکه در مملکتی تمدّن تام و مهارت عظیم سیاسی در میان آید و اگر نفس اهالی در مدنیت سیاسی و مدنیت اخلاقی ترقی ننمایند استقلال مفید نیست بلکه مضرّ است مللی را که در مدنیت چنانکه باید و شاید ترقی ننموده اند استقلالیّت فائدهائی نبخشد چنانکه تجربه شده است مثلاً هشتصد سال است ایران مستقل بود این استقلالیّت ابداً مفید نبود روز بروز تدنّی میکرد تا آنکه ایران ویران شد بالأخصّ در این ازمینه اخیره حال قریب بیست سال است که در ایران آتش حرب داخلی شعله میزند جمیع ولایات ویران شده و اموال اهالی بتالان و تاراج رفته زلزله اختلال ایران را متزلزل نموده و احزاب مختلفه پیدا شده و هر حزبی را آرزویی متّصل در نزاع و جدالند دولت روس مستولی شده بود و بتمام تعدّی می پرداخت حال جمیع راهها در بین مقاطعات مقطوع و قبائل و عشائر صحرائی در تعدّی تجارت در تنزّل صنعت در تدنّی فلاحت در تناقص قحط و غلا مستولی حال دولت عادلّه بریطانیا با ایران معاهدهائی نموده و بسبب این معاهده در تنظیم و ترتیب و تسکین اشرار و آسایش اهالی میکوشد و بنهایت محبّت و مهربانی معامله مینماید ولی صاحبان غرض خودپسند آرام نگیرند هر روز بیهانهائی نمایند مقصودشان آنست که دوباره ایران بر اسلوب قدیم بچنگ نفوس مستبدّه درآید و مثل سابق که هزار سال تجربه شده دوباره اهالی گرفتار گردند تا محرّکین خود در

این میان نفوذ عظیم حاصل نمایند و بمنفعت شخصی خویش خدمت نمایند دولت عادلۀ انگلیز بکرات و مرآت ایران را از چنگ اجنبی خلاص نموده قریب صد سال پیش دولت روس دولت ایران را شکست داد و بسیاری از ولایات ایران را مستولی شد و نزدیک بود طهران را فتح نماید دولت بریتانیا ایران را از چنگ روس خلاص کرد و همچنین از دول متجاوزۀ سائر محافظه نمود و اگر این محافظه نبود مملکت ایران بکرات و مرآت تا بحال مسخر دول دیگر میگشت حال مداخلۀ بریتانیای عظمی در تنظیم ایران بموجب معاهدۀ جدیدۀ هیچ شبهه‌ئی نیست که سبب شود و اختلالات داخلیۀ زائل گردد و احزاب را از جنگ و جدال بازدارد راحت و آسایش حاصل گردد امنیّت راهها حصول پذیرد مدنیّت ترقی نماید فلاحت و زراعت و صناعت روز بروز افزون گردد وسائل مدنیّت از هر جهت حاصل شود تمدید راه آهن گردد معادن مهمله اشغال شود ثروت مملکت بحیّز شهود آید معارف ترقی کند عدالت محافظۀ حقوق عموم طوائف نماید اما عدم مداخلۀ دول و ملل متمدنه در ایران هزار سالست تجربه شده است هیچ منفعتی حصول نیافته است امیدواریم که مدنیّت کامله در ایران ترقی نماید تا بدرجه‌ئی رسد که سبب سعادت ایران شود و بتوانند که دارائی خود بنمایند و روز بروز ترقی نمایند ولی حال حاضرۀ ابداً فائده‌ئی ندارد مثلاً نظیر مصر در زمان اسماعیل پاشا من به مصر رفتم و مصر هرچند مستقر بود ولکن روز بروز رو بتدنّی بود خزینۀ مصر غرق در دیون بود معارف بکلی مفقود جز چند مدارس دینی حال در سفر اخیر چند سال پیش که به مصر رفتم دیدم که عروۀ الوثقی تنها در اسکندریه بیست و چهار مکتب تأسیس نموده و بر این قیاس در سائر شهرها و قری مدارس ابتدائی و مدارس عالیہ تشکیل شده و جوانان تحصیل مینمایند مأمورین سابق همه جاهل مأمورین جدید همه مخرج از مدارس در سابق واردات عمومی هشت میلیون حال از بیست میلیون تجاوز نموده مدفوعات قطنی سیزده میلیون بالو بود حال قریب پنجاه میلیونست اراضی هر فدائی سی و چهل لیره ارزش داشت حال قیمت اراضی به سیصد لیره چهارصد لیره رسیده اهالی قری محتاج و غرق در دیون بودند حال اهالی از دیون آسوده گشته و قرایای مطموره معموره گردیده ملاحظه نمائید که چه قدر اقلیم مصر ترقی نموده اگر بر استقلالیّت سابق میمانده یقین است که روز بروز تدنّی مینمود اسماعیل پاشا مالیات املاک را سه سال پیش تحصیل کرده بود و همچنین سائر معاملات در نهایت اسراف بود مثل آنکه اقلیم مصر از برای شخص او خلق شده حال الحمد لله جمیع این تعدّیات مندفع حقوق اهالی محفوظ بزرگان را دست تعدّی بسته فقرا آسوده گشته پس آن استقلالیّت را چه فائده لهذا اگر بر این منوال مصر ترقی نماید عنقریب مدنیّت چنان ترقی نماید که لیاقت استقلالیّت حاصل نماید مثلاً سوریه و اناضول خراب و ویران بود از روزی که دولت بریتانیا حلول نمود و بعدالت پرداخت جمیع اهالی راحت و آسوده شدند و بفکر ترقی افتادند در ازمنۀ سالفه در قرون اولی سوریه ویران بود دولت ایران دولت یونان حلول نمودند مدنیّت سوریه ترقی کرد بعد از مدتی باز ویران گشت دولت رومان حلول نمود باز مدنیّت در سوریه ترقی کرد تا باعلی درجه رسید آثار این دو دولت الآن در سوریه موجود دلالت مینمایند که چه قدر خدمت بمدنیّت سوریه نمودند بعد سوریه استقلال حاصل نمود ولی از استقلالیّت روز بروز تدنّی کرد و فائده نبخشید زیرا حکومتات مختلفه تابع نمود و هیچیک فائده نداشت مقصود اینست که امید ما چنانست که از احتلال دولت عادلۀ بریتانیا روز بروز این مملکت ترقی نماید تا لیاقت استقلالیّت حاصل نماید و جمیع این مشاکل حل گردد

ای احبّای الهی این تعصّبات دینی و تعصّبات سیاسی و تعصّبات وطنی و تعصّبات جنسی مخرب عالم انسانست عدالت مقبول و مألوف خواه از اهل مملکت باشد و خواه از بیگانه دوست بیگانه خیرخواه بهتر از آشنای نادانست باید عالم بشر بکلی از اوهام تعصّبات نجات یابد روی زمین یک وطن است و جمیع بشر یک ملت جمیع سلالۀ آدمند و دین تعلّق بسیاست ندارد دین مروج اخلاق حمیده است اهل ادیان باید بکوشند تا دین سبب الفت بین اجناس شود والاّ از دین نتیجه‌ئی حاصل نگردد ادیان الهیه سبب الفت است تا تعصّبات قومیّه نماند جمیع اقوام با یکدیگر مهربان شوند و از اوهام جنسیّت بکلی منسلخ شوند عدالت مقبول ولو از بیگانه باشد و ظلم مذموم ولو از برادر انسان باشد این حقیقت است ماعدای

این جمیع اوهام بیگانهٔ عادل برادر است و برادر ظالم بیگانه است از خدا خواهم که شما مروج وحدت عالم انسانی باشید و خیرخواه عموم بشر و بکوشید تا صلح عمومی در قطب آفاق خیمه زند و عَلم وحدت عالم انسانی در شرق و غرب موج زند اینست رضای خدا اینست اساس دین اینست سیاست کتب مقدسه اینست سبب سعادت عالم انسانی آن زمان گذشت که بشر با اختلاف اقوام و ملل سعادت یابد حال این قرن نورانیست و عصر رحمانیست حقائق پرده برانداخته و اوهامات تعصّبه واضح و مشهود شده که همیشه سبب ویرانی کرهٔ ارض بوده جز بالفت و اتّحاد و وحدت عالم انسانی از برای بشر سعادت مستحیل است والسلام

عبدالبهاء عباس

۱۷ کانون ثانی ۱۹۲۰

این سند از کتابخانهٔ مراجع بهائی داندلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۳۱ اوت ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر